

عنوان: کیمیاگر بزرگ جوانان به طلای ناب؛ نگاهی گذرا و کوتاه به تاریخ جنگ
موضوع: جنگ ایران و عراق - جنبه‌های حقوقی؛ جنگ ایران و عراق - قطعنامه‌ها؛ جنگ ایران و عراق
پدیدآورنده: میردامادی، حسن
نشریه: جمهوری اسلامی، ۸۳/۷/۹

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ آغاز شد هدفهایی را در پی داشت که برخی از آنها بشرح زیر می‌باشند.

- ۱ - اشغال خاک کشور اسلامی
 - ۲ - اشغال مناطق نفتی
 - ۳ - پیشروی به سمت عمق استراتژیک کشور
 - ۴ - فلج کرد نیروهای نظامی
 - ۵ - تسخیر استانها یکی پس از دیگری و ..
 - ۶ - به ستوه کشاندن نظام جمهوری اسلامی و سرنگونی آن
- در تمام این مراحل، همدستی آشکاری بین تمامی جریانات ضد انقلابی و ضد اسلامی در داخل کشور و در سطح جهان وجود داشت.

حمایت سازمانهای بین المللی، غربیها و اعراب از صدام اکثریت قریب به اتفاق سازمانهای بین المللی، سازمانهای عربی، کشورهای خلیج فارس، کشورهای اروپایی و دولتمردان کشور آمریکا درصدد آن بودند تا با حمایت تبلیغاتی، مالی، تسلیحاتی و همه جانبه از عراق او را در این جنگ به پیروزی برسانند آنها با به میدان آوردن تمامی امکانات خویش، از صدام چهره ای صلح طلبی ساختند. که برای سرکوبی آنچه آنان تروریست می‌خواندند. و یا اسلام خشونت گرا می‌نامیدند. وارد صحنه شده، تا این رژیم ضد حقوق بشر را سرکوب کنند!! در آن روزگاران صدام حسین سمبل صلح و آزادی، حقوق بشر و همه ی ارزشهای انسانی بود. در مطبوعات غرب کمترین اثری از تبلیغات علیه صدام دیده نمی‌شد. مطبوعات کشورهای عربی نیز اینگونه بودند. آنان از صدام به عنوان کسی که قسمت شرقی جهان عرب را در برابر فارس های مجوس حفاظت می‌کند، نام می‌بردند و در این میان دو دولت سعودی و کویت بیشترین حجم حمایت از عراق را به عمل آوردند و کشور اردن و مصر نیز با تمام توان به حمایت از صدام پرداختند.

عربستان و کویت تمامی بنادر خویش را در اختیار عراق قرار داده و هر آنچه در توان داشتند به عراق کمک کردند. تا او بتواند در جنگ به پیروزی برسد. در اولین روزهای شروع تهاجم به میهن اسلامی، نیروهای عراقی به پیروزی های وسیعی دست یافتند و توانستند بخش هایی از استانهای خوزستان، ایلام و کرمانشاه را به تسخیر خویش درآوردند. در آن زمان، آنان با سلاحهای مدرن روز، تانکهای روسی، هواپیماهای روسی و فرانسوی، و دلارهای نفتی کشورهای عربی به کشور ایران تهاجم کردند و شهرها را یکی پس از دیگری به تسخیر درآوردند.

سقوط شهرها

خرمشهر پس از ۳۴ روز مقاومت سقوط کرد و تعدادی از شهرهای دیگر در استانهای خوزستان، ایلام و کرمانشاه نیز به اشغال درآمد و نوامیس این ملت، زنان و کودکان در زیر چکمه های ارتش خون آشام رژیم صدام افتادند. میلیونها تن از مردم مظلوم ایران آواره شدند و در شهرها سرگردان گردیدند. تمامی محاسبات نشان می‌داد که صدام، باید کار جمهوری اسلامی را تمام کند، و این ظرف چند روز عملی است. و همه دشمنان انتظار سقوط نظام اسلامی را می‌کشیدند. در درون کشور نیروهای طرفدار آزادی غربی با سرزنش و تحقیر نیروهای انقلابی و با جوسازی ها و شایعه پراکنی ها در درون شهرها به حمایت وسیع روانی از تهاجم نظامی عراق پرداختند. آنان به جای آنکه جبهه ی جنگ را به مرزها منتقل کنند به درون شهرها منتقل کردند.

نقش سازمانهای داخلی در حمایت از اهداف صدام

سازمانهایی مانند نهضت آزادی، سازمان مجاهدین خلق و سازمانهای کمونیستی و غرب گرا، همگی در یک کلام مشترک بودند و آن اینکه آزادی، مسئله ای اصلی است و آزادی را آنگونه معنی می‌کردند که غربی ها می‌پسندیدند.

غربی ها که در پشتیبانی صدام همه با هم یک دل و یک صدا بودند. همانها که هرگز به این سوال اساسی پاسخ ندادند که چگونه است، که صدام بدون انتخابات و بدون آنکه در کشورش کمترین رنگ و بویی از انتخابات وجود داشته باشد سمبل آزادی خواهی محسوب می‌شد. همانها که با جریانات داخلی کشور همناوا علیه جمهوری اسلامی بودند.

جریانهای داخلی کشور، جریانات لیبرال و جریانات مطبوعاتی، با سو استفاده از آزادی بی حد و حصری که برای آنان وجود داشت همواره از استبداد سخن می گفتند، در حالیکه کشور درگیر جنگ، بطور طبیعی باید وضعیت اضطراری اعلام می کرد و مطبوعات را محدود میکرد، اما در ایران چنین نبود و مرثیه سرایان آزادی غربی، با استفاده از فضای بی حساب و کتاب علیه آزادی موجود سخن می گفتند!! و به خالی کردن دل مردم از مقاومت می پرداختند و توجه آنان را به داخل شهرها منتقل می کردند. آنان توانستند در آن مدت، درگیری های فراوان خیابانی ایجاد کنند. در حالی که لازم بود نیروهای عملیاتی به مناطق جنگی اعزام شود اینان در درون شهرها آشوب برپا کرده و هر روز تیتراژ اصلی روزنامه هایشان مبارزه با خشونت، شکنجه و شایعه های فراوان علیه نیروهای اصیل انقلابی بود.

نقش نیروهای انقلاب اسلامی

اما به دور از تمامی این جریانات، نیروهای انقلاب اسلامی (وخصوصا جوانان سلحشور و برومندی که با کیمیاگری خمینی بزرگ به طلای ناب مبدل شده بودند) در صحنه های نبرد، مظلومانه مقاومت کردند. و در همان روزهای آغازین، ماشین جنگی صدام را از حرکت باز داشتند. ماشین جنگی ای که باید تا عمق استراتژیک کشور پیش می آمد، در همان اولین روزها به گل نشست و نتوانست از میانه ی راه خوزستان جلوتر بیاید. از قصر شیرین فراتر نتوانست بیاید و در نزدیکی سرپل ذهاب متوقف شد. واز آنجا نیز اخراج گردید. نیروهای رزمنده و مقاوم جمهوری اسلامی که با روحیه ایمان می جنگیدند. در حالی که از کمترین سلاح و کمترین برابری اسلحه با دشمن برخوردار نبودند، با یاری و اتکا به خداوند و توسل به ائمه اطهار علیهم صلوات الله، در صحنه های نبرد مظلومانه و غریبانه جنگیدند و ملی گرایان واقعی آنها بودند که با تکیه بر دین از آب و خاک کشور دفاع کردند، نه آنان که با شعار ملی گرایانه به کمک و یاری روانی و تبلیغاتی دشمن شتافته بودند.

چه بسیار گردانهای مدنی که در برابر مشتی اندک از نیروهای شهادت طلب به گل نشستند و نتوانستند حرکت کنند. چه بسیار لشکرهای وسیع مکانیزه که در برابر گروه اندکی از انسانهای شجاع با ایمان معتقد به انقلاب اسلامی، در همان روزهای نخست نابود شدند و نتوانستند اقدامی کنند. همه اینها از برکات اسلام و انقلاب اسلامی و رهبری خردمندانه ولی فقیه بود. که بی اعتنا به تبلیغات رسانه های ضد آزادی غربی، به مقاومت و پایداری، پا می فشرد و ملت را از فریب آنان بر حذر داشت.

مقایسه تاریخی

اگر تاریخ انقلاب اسلامی را با تاریخ ایران در طول دویست سال اخیر مقایسه کنیم می بینیم هر گاه دشمنانی به مراتب ضعیف تر از صدام، در دورانهایی که دولتهای ایران به مراتب قوی تر از دولت جمهوری اسلامی بودند به ما حمله کردند بخش هایی از میهن، جدا شده است. نقشه ی جغرافیایی سیاسی ایران در این مدت نشانگر آن است که در طول تاریخ (دویست ساله اخیر) بخش هایی از میهن جدا شده است.

مقاومت مظلومانه و خیانتهای لیبرالها

اما در دوران جمهوری اسلامی این دست آورد و افتخار عظیم برای مردم ما و برای جوانان ما و برای امام بزرگوار ما و در يك کلام برای اسلام و انقلاب اسلامی باقی ماند که يك وجب از خاک میهن جدا نشد. آری! بخشهایی به اشغال دشمن درآمد اما با پایداری پس گرفته شد و علیرغم زخم زبانهایی که از همان روزهای نخستین جنگ، سر داده می شد. و همه ناجوانمردی هایی که در درون شهرها صورت می گرفت و تمامی ترندهایی که دشمنان انقلاب اسلامی در سطح جهان ایجاد کرده بودند اما این ملت مقاوم مسلمان به رهبری امام بزرگوار و با پیروی از تعالیم عالیه اسلام توانست دشمن را زمینگیر کند. سپس با اخراج بنی صدر از قدرت (که مانع اصلی تهاجم علیه عراق بود، و جنگ را به درون شهرها آورده و به نیروهای خودی کشانده بود) مراحل عملیاتی نیروهای انقلاب اسلامی آغاز گردید. و تحلیل های لیبرالها را بر باد داد. لیبرالهایی که با شعار در درون شهرها به تفرقه میان مردم پرداخته و بجای تشویق به دفاع مقدس، جنگ را در شهرها بر سر آزادی! قرار داده و در حالیکه با آزادی تمام، به همه ارکان نظام، اهانت می کردند، دم از نبود آزادی می زدند و با تفرقه در میان صفوف ملت به دشمن خدمت می کردند.

شکست ها و پیروزی ها در جنگ

نیروهای انقلاب اسلامی از همان ابتدا، دفاع خود را با تهاجم علیه دشمن آغاز کردند. با خروج بنی صدر (که ادعا کرده بود اگر من از قدرت برکنار بشوم صدام آبادان را فتح خواهد کرد. نه تنها چنین نشد بلکه با انسجام و وحدت کاملی که در میان نیروهای رزمنده پدید آمده بود) عملیات های وسیعی یکی پس از دیگری طراحی و برنامه ریزی شد.

اولین عملیات برای شکستن حصر آبادان، به شکست انجامید. دومین عملیات نیز شکست خورد و عملیات های فراوانی برنامه ریزی شد و شکست خورد (نویسنده این سطور خود در چندین عملیات شرکت داشته و شکست های تلخ را از نزدیک شاهد بوده است و از تمامی آنها دفاع می کند و معتقد است شکست مقدمه پیروزی است) نیروهای مقاومت نستوه انقلاب اسلامی ایران نه تنها از این شکست ها مایوس نشدند بلکه با قدرت هر چه

تمامتر براي عمليات بعدي خود را آماده کردند و نهايتاً در عمليات ثامن الائمه اولين پيروزي عظيم جمهوري اسلامي به دست آمد. و آن آزادسازي شمال آبادان از صداميان بود. صداميان فرار را بر قرار ترجيح دادند. عده فراواني كشته و عده بسيار زيادي به اسارت نيروهاي انقلاب اسلامي درآمدند. تانكهاي فراواني بر زمين باقي ماند و آثار پيروزي توانست ملت قهرمان را به آينده اميدوار كند.

عملياتهاي بعدي يكي پس از ديگري طراحي شد و در زمان بسيار كوتاهي عمليات آزادسازي بستان آغاز شد و نيروهاي اسلام براي آزادسازي بستان حركت كردند ، آن عمليات نيز با رشادت وسيع نيروهاي انقلاب اسلامي در برابر امواج خروشان تانكها و سلاحهاي دشمن به پيروزي رسيد و اين مقدمه اي براي فتح المبين شد ، فتح المبين عمليات وسيعي بود كه مناطق بزرگي از كشور را در عيد نوروز ۱۳۶۱ آزاد كرد و پس از آن عمليات بزرگي به نام بيت المقدس طراحي شد و در کمتر از سه ماه نيروهاي رزمنده ما توانستند ارتش تا دندان مسلح صدام را در خرمشهر به نابودي بكشانند و اين پيروزي عظيم نقطه عطفي در تمامي عمليات ها شد. نويسنده اين سطور افتخار آن را داشت كه در عمليات هاي پيروزي بستان ، فتح المبين ، بيت المقدس ، همگام با قهرمانان آزاديبخش حضور داشته و هم سنگر با مرداني شود كه مردانه شهد شهادت نوشيدند و لباس عزت پوشيدند و افتخار نصيب كشور ، ملت و اسلام كردند.

ديگراهاي موافق و مخالف با ادامه جنگ پس از خرمشهر

درست همانطور كه از ابتدائي جنگي تحميلي تا آن روز ، در هر عملياتي نظرات مخالف و موافق دلسوزان وجود داشت . با پس از عمليات بيت المقدس نيز نظرات موافق و مخالف دلسوزانه اي وجود داشت .

برخي بر آن باور بودند كه نبايد اين جنگ ادامه پيدا بكد و عده اي نيز بر اين باور بودند كه اينك ما توان لازم را داريم براي آنكه دشمن را به شكست بكشانيم و او را از هر حمله اي در آينده بازداريم . اين نظرات در محضر امام نيز مطرح شد. حضرت امام (ره) خود از كساني بودند كه بر اين باور بودند كه نبايد جنگ ادامه پيدا بكد. اما وقتي كارشناسان عاليرتبه نظامي و سياسي ، از سر دلسوزي و از سر خدمت به انقلاب اسلامي ، مطرح كردند كه ما توان ضربه زدن به دشمن را داريم . حضرت امام اين سخن را پذيرفت ، و درست مانند تمامي صحنه هاي جنگ مردانه و قهرمانانه از فرماندهان عملياتي مقاوم و مجاهد ما دفاع كرد. هر چند ، كه كساني در آن روزگار از اين اقدام فرماندهان حمايت مي كردند و امروز كه برخي از ناکامي ها و تلخكامي ها ، كه در عمليات هاي پس از بيت المقدس پديد آمده ، عليه آنان سخن مي گویند. اما امام با رويه جوانمردانه اي كه داشت (و به مشاورت كارشناسان معتقد بود و همواره نظرات كارشناسي را احترام مي گذاشت و پس از آنكه آن نظريات را مي پذيرفت خود نيز تا آخرين نفس از آن حمايت مي كرد ، و هرگز مسئوليت شكستها را بر دوش افراد رده بعد از خويش نمي انداخت) تا آخرين روز جنگ تحميلي از تداوم عمليات دفاع كرد و جملات فراوان حضرت امام ، روشنگر اين مسئله است .

مرحوم حاج سيد احمد خميني در اين خصوص نظر امام خميني در رابطه با استمرار جنگ پس از فتح خرمشهر ، در پاسخ به سوالي چنين مي گويد :

س - بدون ترديد شما در طول دوران دفاع مقدس از همه كس به امام نزديكتر بوديد و از موضعگيريهاي ايشان در مقاطع مختلف جنگ خاطرات بسياري داريد. لطفاً خاطره اي را از آن دوران تعريف كنيد

تلخترين خاطره اي كه به ياد دارم پذيرش قطعنامه و شيرين ترين خاطره مربوط به فتح خرمشهر است . فتح خرمشهر زماني اعلام شد كه ساعت حدوداً چهار بعداز ظهر بود و امام در حال قدم زدن بودند. امام هر روز سه مرتبه و هر مرتبه حدود نيم ساعت قدم مي زدند و راديو هم در دستشان بود چون ما از قبل مي دانستيم كه رزمندگان اسلام در حال انجام اين كار هستند و درگيري هم از شب قبل شروع شده بود كه خيلي هم شديد بود. امام در حال قدم زدن بودند كه گوینده راديو خبر آزادسازي خرمشهر را اعلام كرد. با شنيدن صدای گوینده ، من به امام نگاه كردم و متوجه شدم كه احساس خوبي به ايشان دست داد. البته در مجموع امام از مسائلي كه خيلي تلخ بود اوقاتشان زياد تلخ نمي شد و از مسائلي هم كه شيرين بود خيلي خوشحال نمي شدند.

و در مقابل مسائل خرمشهر امام معتقد بودند كه بهتر است جنگ تمام شود ، اما بالاخره مسئولين جنگ گفتند كه ما بايد تا كنار شط العرب (اروند رود) برويم تا بتوانيم غرامت خودمان را از عراق بگيريم . امام اصلاً با اين كار موافق نبودند و مي گفتند اگر بناست كه شما جنگ را ادامه بدهيد بدانيد كه اگر اين جنگ با اين وضعي كه شما داريد ادامه يابد و شما موفق نشويد ديگر اين جنگ تمام شدني نيست و ما بايد اين جنگ را تا نقطه اي خاص ادامه بدهيم و الان هم كه قضيه فتح خرمشهر پيش آمده بهترين موقع براي پايان جنگ است .

بي نام دليل آفتاب (خاطرات يادگار امام) چاپ سوم تهران خرداد ۱۳۷۸ موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني ص ۱۲۴

نقش اساسي حضرت امام در پيروزيها و استمرار دفاع مقدس

مسئوليت دفاع مقدس ، از روز اول تا نهايت بر عهده ي امام (ره) است او آن بزرگ مردی است كه بر تارك اين انقلاب خواهد درخشيد و تمامي تاريخ نويسان آينده (چه طرفدار انقلاب اسلامي باشند چه مخالف) بايد بنويسند كه در عصر طلايي او بود كه دشمن نتوانست سر سوزني از خاك ميهن ما را جدا بكد. اين امام ، پس

از مشورت فوق با مسئولان نظر آنها را پذیرفت و تا آخرین روز جنگ کمتر کسی فهمید که امام با استمرار جنگ مخالف بوده است و همواره از جنگ حمایت کرد و تا آخرین نفس و تا آخرین خانه ، و تا رفع فتنه در جهان ، خواستار استمرار نبرد بود.

چه بسیار گردانهای مدرنی که در برابر مشتی اندک از نیروهای شهادت طلب به گل نشستند و نتوانستند حرکت کنند. چه بسیار لشکرهای وسیع مکانیزه که در برابر گروه اندکی از انسانهای شجاع با ایمان معتقد به انقلاب اسلامی ، در همان روزهای نخست نابود شدند و نتوانستند اقدامی کنند.

اگر تاریخ انقلاب اسلامی را با تاریخ ایران در طول دویست سال اخیر مقایسه کنیم می بینیم هر گاه دشمنانی به مراتب ضعیف تر از صدام ، در دورانهایی که دولتهایی ایران به مراتب قوی تر از دولت جمهوری اسلامی بودند به ما حمله کردند بخش هایی از میهن ، جدا شده است .